

■ **شاهد توحیدی**

بازتاب‌های متنوع سریال «معمای شاه»، پژوهشگران انقلاب را به سؤالی مهیـم رهنمون ساخته که: آیا این همه غوغا، صرفاً معطوف به برخی کاستی‌های احتمالی است یا «هدف» و «پیام» این سریال اینگونه عده‌ای را به شلتاق افکنده است؟ پاسخ بدین سؤوال چندان دشوار نیست، چه اینکه «نقد اصـلاحی» با «غوغاگری» نمی‌توان انجام داد و باید در پس این هیاهو، عظمتی را جست که همت تخریبگران به تخطئه آن معطوف گشته است. در گفت و شنود پیش روی، پژوهشگر ارجمند جناب دکتر یعقوب توکلی به بررسی این بازتاب‌ها پرداخته و با طیف‌بندی منتقدان، رویکردهای آنان را به تحلیل نشسته است. امید آنکه مقبول افتد.

■ ■ ■

با آغاز پخش سریال «معمای شاه»، به‌طور طبیعی انتقار می‌رفت که نقد‌هایی متوجه این سریال شود، همانگونه که درباره تمامی سریال‌ها معمول است، اما هنگامی که زمان پیشتر رفت، دریافتیم نقد‌هایی که متوجه این مجموعه شده، فراتر از برخی ایرادات تاریخی یا پرداخت دراماتیک آن و اساساً واری یافتن نقایص یک سریال هستند. در واقع به نظر می‌رسد که هدف برخی هجمه‌گران نه اشکالات این سریال، نوعی تسویه حساب با پیام آن است. این رویکرد را چگونه تحلیل می‌کنید؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. در آغاز باید اشاره کنم که واقعیت‌های تاریخی وقتی به تصویر در می‌آیند و تبدیل به سریال یا فیلم می‌شوند، قاعدتاً به تمامی نمی‌توانند عینیت تاریخی داشته باشند و کارگردان و نویسنده ناچارند تم‌های مختلف اجتماعی و سیاسی را به‌طور موازی در کنار آن بیابورند تا بتوانند آن ماجرای تاریخی را تا حدودی در فواصل این تم‌ها بیان کنند. فیلم تاریخی، از جنس کتاب و پژوهش نیست، بلکه در حد محصولات تصویری قابل بهره‌برداری است تا پژوهش‌های عمیق تاریخی، لذا هر فیلم تاریخی از منظر پژوهش ممکن است قابل نقض، نقد و ایراد باشد. اما در عین حال باید توجه داشت که فیلم تاریخی نباید با روح اصلی ماجرا تضاد و تنافر داشته باشد. البته در مواردی هم ممکن است فیلم یا سریال تاریخی بخواهد خود در یک فضای سیاسی کاری یا برخلاف آنچه را که واقع شده است، عرضه کند، مثل فیلم ۳۰۰ که به دنبال فضایی غیر از فضای تاریخی و در پی ایجاد حس ضدکاری در بین سربازان و طرفداران امریکایی علیه جامعه ایران بود. طبعاً چنین رویکردهایی از شمول بحث ما خارج و یک کار تاریخی به شمار نمی‌روند.

اما در مورد «معمای شاه»؟

اما در خصوص این «معمای شاه»، واقعیت این است که عصبانیت جریان پهلوی گره‌های عمدتاً خارج نشین نسبت به آن، کاملاً طبیعی است. یعنی اگر کسی توقع داشته باشد آنها در برابر اسکوت کنند، توقعی خارج از عرف رسانه‌ای و وقایع سیاسی و تاریخی دوره ماست. اما از طرف دیگر، ما درباره این سریال، با دو سه موج انتقاد در جامعه‌مان مواجه شدیم. یک موج انتقاد ناشی از قشر پاک و منتشر جامعه بود. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که بر حسب شرع و التزام مردم به آن و نیز بر حسب عرف، حساسیت‌هایی دارد. بالاخره ایرانیان به لحاظ اخلاقی در سطح بسیار بالایی از پاکی و طهارت خانوادگی قرار دارند. جامعه فستی ما به‌طور طبیعی، حیانت افکار گسیخته زن و مرد نسبت به هم را نمی‌پسندد و نمی‌پذیرد. در شرایط فعلی جامعه ما، طیف گسترده‌ای از زنان و مردان ما آنچه منسوب به رفتار پهلوی‌هاست در مخپله‌های جانی‌گمید و آن نوع رفتار را نمی‌پذیرند. اما از طرفی همین جامعه شاید نداند آنچه در این فیلم به آنها اشارتی شده است، یکا از هزار هم نیست؛ جامعه ما باید توجه کند که چه کسانی بر ما حکومت می‌کردند. اگر مردم حتی همان انتقادی را که در ادبیات خود پهلوی‌ها هم آمده است بدانند، متوجه خواهند شد که چه کسانی و با چه روحیاتی بر کشور ما حکومت می‌کردند و در نتیجه آن‌زار شدیدی از پهلوی‌ها پیدا خواهند کرد.

بنابراین انتقاد این قشر را ناشی از بی‌اطلاعی آنها از حجم و عمق مفاسد پهلوی‌ها می‌دانید؟

بله، در این فیلم با وجود آنکه فقط اشاراتی به بعضی از رفتارهای پهلوی‌ها شده است، برای طیف قابل توجهی از جامعه مؤمن ما قابل قبول نیست، اما واقعیت‌های تاریخی پهلوی‌ها حتی از منظر خودشان هم، خیلی بیشتر از این حرف‌هاست و تصاویر، اسناد و روایات مختلفی که حتی از موافقان خاندان پهلوی به جا مانده‌اند، پرده از حقایقی برمی‌دارند که این اشارات در برابر آنها واقعاً هیچند!

طیف دیگری که با این سریال مخالفت می‌کند، طیف ملی‌گرایان و جریان روشنفکری است. طی سال‌های گذشته، به‌طرز عریشی شاهد هستیم که جریان «تاریخ‌نگری» و «تاریخ‌نگاری» ملی‌گرایان، روشنفکران و جریان چپ، با سلطنت‌طلب‌ها و پهلوی‌گراها همسو شده است!...

برای این مدعا مصداقی هم ذکر می‌کنید؟

بله، مثلاً کتابی که حمید شوکت درباره قوام‌السلطنه نوشته یا کتاب عباس میلانی در تمجید از هویدا و سایر آقای که توسط نویسندگان چپ سابق در تحلیل از پهلوی‌ها منتشر شده‌اند، این خط را هم در بین ملی‌گراها و هم در جریان روشنفکری و چپ‌ها نشان می‌دهد. به باور من همه این جریان‌های می‌خواهند حوزه و نقطه مشترکی را که همانا انقلاب و جمهوری اسلامی است، مورد هدف قرار بدهند و طبعیتاً این خط تخریب سیاسی، فکری و فرهنگی، ساخت چنین سریالی را که بیان تصویری وقایع دوران پهلوی توسط کسانی است که به جمهوری اسلامی منتقدان را برنمی‌تابد و آن را مورد هدف قرار می‌دهد.

به‌طور قطع سریال سه لحاظ ساختار دراماتیک، کشش‌های نمایشی و جلب مخاطب برای پیگیری خط



«معمای واکنش‌ها به روایت پهلوی‌ها» در گفت‌وشنود با دکتر یعقوب توکلی

یک از هزار مفاسد پهلوی‌ها هم در معمای شاه نیامده است!

داستانی و ظرایف فنی و کارگردانی دارای ضعف‌هایی هم هست، ولی حتی اگر کاری از این نقاط ضعف هم بود، باز هم این جریان‌ها به این سریال حمله می‌کردند و عکس‌العمل منفی نشان می‌دادند. بنابراین مشکل این جماعت، ضعف‌های این مجموعه نیست و مسئله اصلی چیز دیگری است.

بنابراین سخنان ما نباید این تصور را ایجاد کند که منتقدان این مجموعه اولاً همه یکدست و تماماً با سلطنت‌طلب هستند و ثانیاً عده پرشماری را تشکیل می‌دهند. اینطور نیست؟

بله، عرض کردم که اینجا فقط یک جریان نیستند، بلکه چهار پنج جریانند...

و البته در میان این عده کم‌شمار، به‌رغم آنکه عده‌ای هستند که «پهلوی‌گرای» بر مزاجشان غالب است، برخی از چهره‌های مثبت و دلسوز هم هستند. نظر شما همین است؟

همین‌طور است. بعضی از اینها به‌رغم اینکه آدم‌های خوب و قابل قبولی هم هستند، به‌آسانی قابل مدیریتند! یعنی اگر به سراغ بعضی از این چهره‌ها بروید و واقعیت‌های مستند و دقیق تاریخی را برای آنها بیسان کنید و چهره‌هایی را که در این سریال مورد نقد جدی قرار گرفته‌اند، به شیوه‌ای مستند و منطقی و علمی برای آنان تبیین کنید، رویکرد آنان فرق خواهد کرد؛ چنانکه در گذشته این تغییر نگرش را در موضوعات دیگری هم شاهد بوده‌ایم. ممکن است که اگر برای این افراد به شکلی منطقی و مستند توضیح داده شود که شما در این مورد، این موضوع یا شخصیت تاریخی اغفال شده‌اید و به عبارتی کسانی از شما چیزهایی را خواستند و شما در میدان آنها بازی کردید، از موضع خودشان برگردند! شاید بتوانیم بگوییم که این قشر به‌رغم سلامت ذاتی، نوعی زودبازوری و کم‌عمقی فکری دارند. طیفی هم هستند که اساساً تاریخ بلد نیستند و در مخپله‌شان این موضوعات جایی ندارد؛ بنابراین حتی قبول حداقلی از واقعیت‌های تاریخی هم آنها را می‌آزارد! حضرت امام در دهه ۲۰ نام‌های به دوستی می‌نویسند و می‌فرمایند: «مملکت ما اسیر دست مشتی جوان شهوت‌پرست شده است.» این قضاوت ایشان در سن ۴۵، ۴۶ سالگی درباره فضای موجود کشور است. ایشان عبارتی شبیه به همین را هم در کشف‌الاسرار بیان می‌فرمایند و حاکمیت و خاندان پهلوی را یک مشتت جوان شهوت‌پرست معرفی

تاریخ

گفت‌وگو با ۸۸۸۹۸۴۲۸



مهندسان بدون کار خانه ما «مدیر فرهنگی» شده‌اند، یعنی هر مهندسی که نتوانسته است کارخانه‌ای را راه‌اندازی کند یا بنایی را بسازد، مدیر فرهنگی شده و چون عدد و رقم بلد بوده، توانسته بالادستی‌های خود را به شکلی قانع کند! البته بعضی‌ها شرف دامادی هم داشته‌اند! برخی هم به دلیل وابستگی‌های گروهی و جناحی ماندگار شده‌اند. چند تن از وزرای ارشاد ما مهندس بودند، مهندسانی که تقریباً از فرهنگ چیزی نمی‌دانستند! یا مثلاً بعضی از سازمان‌های فکری جدی ما، گرفتار مهندسی‌زدگی هستند. وقتی هم که قرار است کار اجرایی انجام شود، باز همین مهندسان سوار کار‌ها هستند! اینجا غالباً آدم‌های خوبی هم هستند، ولی بسیاری از ظرایف فرهنگی را نمی‌دانند، خیلی از کتاب‌های تاریخی را خوانده‌اند و چون چیزی در زمینه فرهنگ نمی‌دانند، دائماً در ابهام حرکت می‌کنند و به‌شدت هم ملاحظه‌کار شده‌اند. در نتیجه بخش‌های مختلف فرهنگی کشور ما جسارت بیان حقایق را ندارند و محققان ما نتوانسته‌اند بسیاری از حقایق را بیان کنند. آنها هم یک مواظبت حداکثری را اعمال کرده و اجازه نداده‌اند تریبون به دست پژوهشگران بیفتد؛ لذا هیچ وقت این امکان فراهم نشده که چهره واقعی پهلوی‌ها نشان داده شود.

وجود این طبقه از مهندسان محترم را واقع وجود چه خلنی را نمایندگی می‌کنند؟ چه چیز موجب شده که عرصه فرهنگ دچار این جماعت شود؟

واقعیت این است که ما در طول این ۲۸ سال، متأسفانه اصلاً کادر پروری فرهنگی نکرده‌ایم. ۹۰ درصد عزیزیانی که در حال حاضر در حوزه

فرهنگ این است، ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد.

چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کارگردان بگذارد و نظارت او را در این مسیر بخواهد. چطور ما برای یک پایان‌نامه دانشگاهی «استاد راهنما» می‌گذاریم، ولی برای این قبیل کار‌ها که در تاریخ‌نگاری را شاهد هستیم که گفتش در یک مصاحبه و تشخیص آن برای کارگردان یا نویسنده به‌آسانی مقدور نیست. متأسفانه تلویزیون ما یاد نگرفته است که از ابتدا یک استاد پژوهشگر را در کنار دست دوستان نویسنده و کار